

ذکر اخبار آتشکده‌ها

(به نقل از: مروج الذهب، ابوالحسن مسعودی، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ص ۶۰۹-۶۰۴)

زرادشت پسر اسبیمان آتشکده‌ها ساخت از جمله یک آتشکده در نیشابور خراسان و یکی دیگر در نسا و بیضای فارس بود. زرادشت به یستاسف شاه [= ویشتاسپ] فرموده بود آتشی را که جم شاه احترام می‌کرده بود پیدا کند و چون جست‌وجو کردند آن را به شهر خوارزم یافتند و یستاسف آن را به شهر دارابجرد فارس آورد و اطراف آتشکده را ولایتی کرد و این آتش به وقت حاضر یعنی به سال سیصد و سی و دو [هجری قمری] «آزرجوی» نام دارد؛ یعنی آتشِ نهر زیرا در پارسی قدیم آزر [= آذر] یکی از نام‌های آتش و جوی نام نهر است و مجوسان این آتش را بیش‌تر از همه‌ی آتش‌ها و آتشکده‌های دیگر احترام می‌کنند.

ایرانیان گویند کی خسرو وقتی به جنگ تُرک رفته بود، سوی **خوارزم** رفت و بر این آتش گذشت و آن را احترام نهاد و سجده کرد. گویند انوشیروان بود که این آتش را به «کاریان» بُرد و چون اسلام بیامد مجوسان بیم کردند که مسلمانان این آتش را خاموش کنند و قسمتی از آن را به کاریان گذاشتند و قسمت دیگر را به «نسا» و بیضای فارس بردند تا اگر یکی خاموش شد، دیگری به جا بماند.

ایرانیان در «استخر» نیز آتشکده‌ای دارند که مجوسان آن را بزرگ می‌دارند و این خانه به روزگار قدیم بوده و همای دختر بهمن پسر اسفندیار آن را آتشکده کرده است. آن گاه آتش آن را برده‌اند و خانه خراب شده است. اکنون مردم می‌گویند این مسجد سلیمان بن داوود بوده است و به نام وی معروف است. من آن جا رفته‌ام. تا شهر استخر نزدیک به یک فرسخ فاصله دارد و بنایی عجیب و معبدی بزرگ است و ستون‌های سنگی شگفت‌انگیز دارد. سرستون‌ها مجسمه‌های سنگی زیبا از اسب و حیوانات تنومند دیگر است و محوطه‌ای وسیع با یک باروی بلند سنگی اطراف آن هست و تصویر اشخاص را با نهایت دقت تراشیده‌اند و به پندار کسانی که مجاور آن جا هستند، تصویر پیامبران است [...].

در شهر «گور» فارس نیز که گلاب کواری از آن جا آرند و بدان جا منسوب است، آتشکده‌ای هست که اردشیر پسر بابک ساخته است و من این آتشکده را دیده‌ام که تا شهر یک ساعت راه فاصله دارد و بر کنار چشمه‌ای است و عید مخصوص دارد و یکی از گردشگاه‌های فارس است. میان شهر گور بنایی بوده که ایرانیان آن را محترم می‌داشته‌اند و «طربال» نام داشته که مسلمانان آن را ویران کرده‌اند [...].

اردشیر به روز دوم که بر ایران تسلط یافت، آتشکده‌ای به نام «بارنوا» بساخت. آتشکده‌ی دیگری نیز بر ساحل خلیج قسطنطنیه روم بود که شاپور پسر اردشیر پسر بابک که به «شاپور سپاه» معروف است، هنگامی که با سپاه برای محاصره‌ی قسطنطنیه بر ساحل خلیج فرود آمده بود، آن را ساخت و هم‌چنان تا دوران خلافت مهدی به جا بود و ویران شد. و خبری عجیب داشت [مبنی بر این که] شاپور سپاه هنگام محاصره قسطنطنیه ساختمان این آتشکده را با رومیان شرط کرده بود. وی با سپاه ایران و ترک و سپاه شاهان اقوام دیگر تا قسطنطنیه رفته بود و به سبب کثرت سپاهی که همراه داشت او را شاپور سپاه لقب دادند [...].

در سرزمین عراق به نزدیک مدینة السلام [= بغداد] آتشکده‌ای هست که ملکه «پوران» دختر خسرو پرویز در محل معروف به استنیا بنا کرده است. آتشکده‌هایی که مجوسان در عراق و فارس و کرمان و سیستان و خراسان و طبرستان و جبال و آذربایجان و اران و هند و سند و چین ساخته‌اند فراوان است که از ذکر آن صرف نظر کردیم و فقط آتشکده‌های مشهور را یاد کردیم.